



A critical analysis of the use of the word "dhan" (uncertainty) in the meaning of "yaqin" (certainty) by explaining the literal meaning and its suitability in the context of the verses

Zahra Sarfi¹

Abstract

The word "*Dhan*" (uncertainty) is one of the key words in the Holy Quran, which is important from different religious, moral and jurisprudential aspects. One of the wide-ranging issues about this word is the difference in its conceptualization in different Quranic contexts. There are three main views on this. According to the common view, many commentators and researchers have considered the main meaning of *Dhan* to be uncertainty; but they have interpreted this word as certainty, especially in the ten verses, contrary to the appearance of these verses, because they did not consider the main meaning of *Dhan* in these verses. This research tries to critically examine the interpretation of *Dhan* and *Yaqin* in the verses of the Holy Quran using analytical-descriptive method. Believing in verbal miracles and the wise use of words in the verses of the Holy Qur'an, makes it difficult to accept such an interpretive view on these verses. Based on this, in the first step, it has examined the lexical reports and critically analyzed the evidence and reasons of the linguists. Because the lexical reports have been the basis of interpretive analyzes many times and have shown that the main meaning of *Dhan* is seen in all the uses of this lexical item. Besides, the poetic evidence presented in proving the concept of knowledge and certainty for the word *Dhan* can be explained with the very original meaning of it, which is uncertainty. Then, based on this lexical analysis, it has investigated the lexical concept of *Dhan* and its interpretation in different verses with emphasis on the context of the verses. Finally, it has become clear that the use of *Dhan* with its original meaning can be defended in all the verses of the Holy Qur'an and is in full accordance with the context of the verses.

Keywords: *Dhan* (Uncertainty), Knowledge, *Yaqin* (Certainty), Homonym, Context.

¹ Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Al-Zahra University; Tehran; Iran | sarfi@alzahra.ac.ir



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني



تحلیل انتقادی کاربرست واژه «ظن» در معنای «یقین» با تبیین معنای لغوی و تناسب آن در سیاق آیات

زهرا صرفی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳

چکیده

واژه ظن از واژگان کلیدی قرآن کریم است که از ابعاد مختلف اعتقادی، اخلاقی و فقهی حائز اهمیت است. یکی از مسائلی پر دامنه درباره این واژه، اختلاف در مفهوم‌شناسی آن در سیاق‌های مختلف قرآنی است. سه دیدگاه اصلی در این باره وجود دارد. طبق دیدگاه رایج، بسیاری از مفسران و پژوهشگران، معنای اصلی ظن را گمان دانسته‌اند؛ اما واژه ظن را به‌ویژه در ده آیه بر خلاف ظاهر این آیات به یقین تفسیر کرده‌اند؛ زیرا معنای اصلی ظن را در این آیات مناسب ندانسته‌اند. این پژوهش تلاش دارد تا با روش تحلیلی-توصیفی به بررسی انتقادی تفسیر ظن به یقین در آیات قرآن کریم بپردازد. باور به اعجاز لفظی و استعمال حکیمانه الفاظ در آیات قرآن کریم، پذیرش چنین نگاه تفسیری را در این آیات دشوار می‌سازد. بر این اساس در گام نخست به بررسی گزارش‌های لغوی و تحلیل انتقادی شواهد و دلایل لغویان پرداخته است، زیرا گزارش‌های لغوی در بسیاری اوقات مبنای تحلیل‌های تفسیری بوده است و نشان داده است که معنای اصلی ظن یعنی گمان در تمام استعمالات این ماده لغوی دیده می‌شود و شواهد شعری مطرح در اثبات مفهوم علم و یقین برای لفظ ظن، با همان معنای اصلی ظن یعنی گمان قابل تبیین است. آن‌گاه بر پایه این تحلیل لغوی به بررسی مفهوم لغوی ظن و تفسیر آن در آیات اختلافی با تأکید بر سیاق آیات پرداخته است. در نهایت آنکه روشن شده است که کاربرد ظن با همان معنای اصلی خودش در تمام آیات قرآن کریم قابل دفاع است و در تناسب کامل با سیاق آیات است.

واژه‌های کلیدی: شک، علم، یقین، مشترک لفظی، سیاق.

^۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء؛ تهران؛ ایران | sarfi@alzahra.ac.ir

۱. مقدمه

اضداد زیرشاخه بحث اشتراک لفظی است و با آن رابطه عموم و خصوص مطلق دارد. یکی از انگیزه‌های تألیف در حوزه اضداد، ورود برخی واژگان اضداد در قرآن کریم بوده است. لغویان و پژوهشگران درباره وجود واژگان متضاد اختلاف کرده‌اند، بسیاری از ایشان وجود واژگان اضداد یا دارای دو معنای متضاد را در زبان عربی و قرآن کریم پذیرفته‌اند؛ برخی نیز آن را انکار کرده‌اند. البته باورمندان به وجود تضاد، گاه دچار مبالغه شده‌اند و برخی واژگان دارای معانی مختلف را در مجموعه واژگان اضداد جای داده‌اند. یکی از واژگانی که بسیاری آن را در زمره واژگان اضداد دانسته‌اند واژه «ظن» است و افزون بر معنای معروف آن، معنای یقین را هم برای آن ذکر کرده‌اند.

ماده «ظن» از مواد لغوی پرکاربرد در قرآن کریم است که ۶۹ بار^۱ با هیات‌های گوناگون در آیات مختلف به کار رفته است. پژوهشگران بسیاری مساله ظن و الفاظ و مفاهیم مربوط به آن را از ابعاد مختلف اعتقادی، اخلاقی و فقهی مورد توجه قرار داده‌اند؛ زیرا افزون بر اهمیت آن به جهت بسامد بالای آن، درک مفهوم قرآنی «ظن»، در فهم واژگان مرتبط با آن و فهم بسیاری از آیات قرآن مؤثر خواهد بود. از این رو پژوهش حاضر نیز واکاوی مفهوم ظن در آیات قرآن کریم را با تأکید بر تحلیل انتقادی دیدگاه‌های موجود در تفسیر ظن، مورد توجه قرار داده است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

واژه ظن از واژگان کلیدی در قرآن کریم است که بسیار مورد توجه پژوهشگران و مفسران در طول تاریخ قرار گرفته است و ابعاد و جوانب مختلف آن در پژوهش‌های بسیار و متعدد واکاوی شده است. تبیین چنین ادبیات پژوهشی مفصل و پرشماری خارج از نیاز و ضرورت این مقاله است؛ اما برخی از مهمترین مقالات علمی پژوهشی اخیر که مفهوم‌شناسی این واژه را در قرآن کریم مورد توجه قرار داده‌اند؛ در ادامه معرفی می‌شود. از جمله، مقاله «پژوهشی در معنای ظن و جایگاه معرفتی و اخلاقی آن در قرآن کریم» (شاکر، ۱۳۸۶) که

۱. اگر آیه «وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ» (التکویر / ۲۴) را در زمره این آیات محسوب کنیم (ظنین) آن گاه تعداد موارد استعمال آن ۷۰ بار خواهد شد؛ اما به نظر می‌رسد که دو لفظ مختلف باشند.

پس از بررسی مفهوم ظن از دیدگاه‌های مختلف، ضمن تأیید و تقویت دیدگاه راغب، به طبقه‌بندی کاربردهای ظن در قرآن کریم پرداخته است. همچنین به تبیین رابطه مفهومی ظن با الفاظ یقین، شک، حساب و زعم پرداخته است. مقاله «بررسی مفهوم ظن و گمان در قرآن کریم» (توانایی، ۱۳۸۸) به این نتیجه رسیده است که معنای ظن در برخی آیات علم و یقین و در برخی دیگر هم وهم و پندار بیهوده است. مقاله «معناشناسی ظن در قرآن کریم» (طیب حسینی، ۱۳۹۰) که متمرکز بر بازشناسی و ارزیابی معیارهای تفکیک ظن از یقین در آیات قرآن کریم است. مقاله «مفهوم‌شناسی واژه خَرَصَ و ظن و نقد ترجمه‌های قرآن کریم» (نصیری و دیگران، ۱۳۹۸) که به تبیین تمایز مفهومی دو واژه خرص و ظن پرداخته است و ترجمه‌های قرآن کریم را از جهت اینکه این تمایز مفهومی را مورد توجه قرار نداده‌اند، نقد کرده است. وجه مشترک در همه این مقالات آن است که این فرض تأیید و تثبیت شده است که ظن از واژگان اضداد است و افزون بر معنای اصلی، در برخی سیاق‌ها معنای یقین را هم می‌رساند. مقاله دیگر مقاله «واکاوی معنای ظن در قرآن کریم بر پایه تحلیل روابط معنایی با واژگان همنشین» (صرفی، ۱۳۹۸) تلاش دارد تا مفهوم ظن در قرآن کریم را بر پایه معناشناسی توصیفی و با توجه به واژگان همنشین آن تبیین کند.

اما برخی از پژوهشگران معاصر در نگاهی متفاوت با گزارش‌های لغوی و بلکه آرای تفسیری رایج، معنای اصلی واژه ظن را یقین دانسته‌اند و تلاش کرده‌اند تا کاربرد ظن در بسیاری از آیات را به یقین تفسیر کنند (عکموش‌عبد، ۲۰۰۵). تفسیر واژگان قرآن به معنایی خلاف معنای ظاهری آن نیازمند قراین قوی است، در غیر این صورت با باور به اعجاز لفظی این کتاب آسمانی سازگار نیست و با اصالت الفاظ قرآن منافات دارد و لازم است این موضوع با دقت بیشتر مورد بررسی قرار گیرد. از این رو این پژوهش تلاش دارد در ابتدا با تحلیل گزارش‌های لغوی به تبیین معنای اصلی واژه ظن در قرآن کریم پردازد و سپس با مبنای قرار دادن معنای اصلی این واژه به تحلیل آیاتی پردازد که در آنها ظن به یقین تفسیر شده است.

لازم به ذکر است که پیش از این، برخی پژوهشگران تلاش کرده‌اند که این موضوع را ثابت کنند که واژگان متضاد در قرآن کریم وجود ندارد و در ضمن آن واژه ظن را هم

بررسی کرده‌اند و معنای اصلی آن را گمان دانسته‌اند (المنجد، ۱۴۲۶ ق). مقاله «واکاوی و ارزیابی ترجمه مفردات قرآن کریم (مطالعه موردی: ماده ظن)» (روحی‌برندقی و همکاران، ۱۳۹۶) معنای لغوی ظن را گمان دانسته است و تأکید دارد چالش ناسازگاری معنای گمان برای ظن در تعدادی از آیات قرآن کریم مبتنی بر تأثیر مفروضات کلامی است و با تکیه بر قراین قابل رفع است. مقاله دیگری با عنوان «کاربرد ظن در قرآن کریم: تاملی پیرامون اقوال مفسران در تفسیر ظن به یقین» (ساجدی، ۱۳۹۷)، با گزارش اقوال مفسران، بر این نکته تأکید دارد که تفسیر ظن به یقین ریشه در پیش‌فرض‌های کلامی مفسران دارد. البته پیش از آن پژوهشگران دیگری ضمن نفی معنای متضاد برای واژه ظن در قرآن کریم، تفسیر ظن به یقین در آیات قرآن کریم را حاصل پیش‌فرض‌های کلامی و نه معنای خود لفظ ظن دانسته‌اند (السامرائی، ۱۹۶۶).

بنا به تحقیق به نظر می‌رسد در پژوهش‌های موجود سه دیدگاه اصلی در تفسیر ظن در آیات مختلف قرآن کریم وجود دارد:

- گزارش معنای لغوی گمان برای ظن و لحاظ کردن این معنا در اکثر آیات قرآن کریم و تفسیر ظن به علم و یقین در برخی آیات (نظر مشهور)؛
- گزارش معنای لغوی گمان برای ظن و دفاع کردن از تفسیر ظن به همان معنای لغوی در آیات مختلف؛
- گزارش معنای لغوی یقین برای ظن و دفاع از تفسیر ظن به یقین در اکثر آیات قرآن کریم (شاذ).

این پژوهش تلاش کرده است تا با نگاهی جامع و در نظر گرفتن آرای مختلف و گزارش آرای مغفول، با تکیه بر تحلیل انتقادی گزارش‌ها و شواهد لغوی و تبیین معنای اصلی واژه ظن، همچنین تبیین مفهوم ظن در سیاق آیات قرآن کریم ضمن بررسی ضمنی دیدگاه‌های فوق در تفسیر لفظ ظن در قرآن کریم، به تبیین دیدگاه صحیح بپردازد.

۱-۲. اعجاز لفظی قرآن

گزینش اعجاز‌گونه الفاظ در قرآن کریم به معنای کاربرد لفظ در دقیق‌ترین و کامل‌ترین صورت آن از ابعاد اعجاز بیانی آن است؛ زیرا قرآن کریم، کلام خداوند حکیم

است و در تمام اجزا و ساختارهای آن، اصل حکمت رعایت شده است. بر همین اساس است که به باور علمای ادب اگر واژه‌ای از آن برداشته شود و تمام واژگان عربی برای یافتن واژه جایگزین جستجو شود، بهتر از آن یافت نشود (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۱: ۵۲). در واقع پایه بلاغت قرآن کریم بر آن است که الفاظ در جایگاه مخصوص و متناسب با خود قرار گرفته‌اند؛ به گونه‌ای که اگر کلمه دیگری به جای آن بنشیند، معنای جمله تغییر خواهد کرد و مقصود تباہ می‌گردد یا حداقل جلوه سخن از میان می‌رود و از بلاغت مطلوب ساقط می‌شود (رمانی و دیگران، بی‌تا: ۲۹). عبدالقاهر جرجانی با تأکید بر جایگاه منحصر به فرد الفاظ در آیات قرآن، بلاغت را هماهنگی الفاظ و تناسب معانی و نظم کلام و ترکیب آن می‌داند (جرجانی، ۱۴۰۳: ۸۸). بر این اساس توجه به اصالت الفاظ در تعبیر قرآنی ضرورت دارد و لازم است تا پژوهشگران آن را به عنوان یک اصل مبنا قرار دهند. به ویژه در مواردی که برای مفاهیم غیر اصیل گزارش شده برای واژه قرآنی، الفاظ مستقل دیگری در فرهنگ قرآن کریم کاربرد دارد.

روشن است که دقت در هر لفظ در الفاظ موجود در آیه و هیئت و معنا و جایگاه آن در آیه ضرورت دارد و باید در تبیین آیه به تناسب لفظ و نقش آن در انتقال معنای مراد توجه جدی داشت. از این رو ضرورت دارد که مفسر پیش از آنکه به مفاد کلی عبارت و جمله توجه کند، معنای مفردات الفاظ آن را به تفکیک دریابد؛ زیرا هر چند معنای الفاظ در بافت کلی جمله تغییر می‌کند، اما این معنا وابسته به معنای اصلی واژه است. از این رو در مطالعات معناشناسی معاصر بین معنای اساسی و نسبی تمایز قائل شده و فهم معنای اساسی را بر معنای نسبی مقدم دانسته‌اند (ایزو تسو، ۱۳۶۱: ۱۳-۲۰). از این رو اینکه برخی پژوهشگران بر پایه تفسیر کاربردهای ظن در قرآن کریم به این نتیجه رسیده‌اند که معنای اصلی و لغوی ظن را باید یقین دانست (عکموش عبد، ۲۰۰۵: ۷۶) نتیجه‌گیری درستی نیست. تأکید بر این نکته لازم است که هر چند بی‌تردید قرآن کریم مهمترین و اصیل‌ترین منبع برای تفسیر واژه‌های خودش است؛ و این مسئله برای هر پژوهشگر آشنا به معناشناسی مفردات قرآن کریم انکارناپذیر است؛ اما نمی‌توان انتظار داشت قرآن کریم اصل معنای یک واژه را به همان صورت که در کتب لغت مطرح شده است، برای ما طرح کند. بلکه ضرورت دارد تا مفسر

دورنمایی از معنای واژه را در ذهن داشته باشد و با تأمل در قرآن و سیاق کاربرد واژه در آیات مختلف آن، معنای دقیق واژه یا کاربردها و معانی مختلف آن را تعیین کند (طیب‌حسینی، ۱۳۹۰: ۶۱).

۲. واژه شناسی

در گام نخست تلاش می‌شود تا با گزارش مفاهیم استعمالی متفاوت برای ماده ظن در ادبیات عرب، معنای اصلی این واژه بررسی و تعیین شود.

۲-۱. عدم اطمینان

بنا به گزارش کتب لغت، الظُّنُّون؛ چاهی است که به وجود یا فقدان آب در آن اطمینان نباشد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۱۵۱؛ صاحب، ۱۴۱۴؛ ج ۱۰: ۱۲) یا چاهی است که گمان شود آب دارد در حالی که آب ندارد یا کم آب است (ابن اثیر، ۳۶۷، ج ۳: ۱۶۳). این معنا در واقع گزارش کاربرد حسی این ماده لغوی است که جزء معنایی مهم آن عدم اطمینان است. بر این اساس این سیده با ذکر شواهد متعدد نتیجه می‌گیرد هر آنچه اطمینانی بدان نباشد را ظُنُونٌ و ظَنِينٌ گویند (ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۱۰: ۸-۱۰) یا صاحب لسان العرب، ظنون را به معنای هر آنچه که به آن اعتماد و اطمینانی نباشد دانسته است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۲۷۴) و از این رو است که مثلاً فرد متهم را ظَنِينٌ گویند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۱۵۱، ابن درید، ۱۹۸۸؛ ج: ۱۵۴). نتیجه آنکه بر اساس گزارش کتب لغت متعدد برخی از این اقوال اشاره گردید، عدم اطمینان را می‌توان معنای اصلی این ماده لغوی دانست. لازم به ذکر است که بنا به تحقیق بهترین معنای معادل فارسی برای ظن، که معنای عدم اطمینان را هم با خود دارد، گمان است (روحی‌برندقی، ۱۳۹۶: ۷۹).

۲-۲. علم و یقین

بسیاری از لغویان با تکیه بر برخی شواهد از جمله آیاتی از قرآن، معنای یقین یا علم را نیز برای واژه ظن گزارش کرده‌اند (ابوعبید، ۱۹۹۰؛ ج ۲: ۶۲۹؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۱۵۱؛ صاحب، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ۱۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۴۶۲).

دقت در این شواهد روشن می‌سازد که واژه ظن در این شواهد به همان معنای اصلی واژه ظن و معنای نزدیک به آن قابل تبیین است و استعمال ظن در آنها به معنای علم استدلالی و یقینی نیست. مثلاً ابو عبید با گزارش این بیت: «ظَنُّهُمْ كَعَسَى— وَ هُمْ بِتَوْفِئِهِ يَتَّزَعُونَ جَوَائِزَ الْأَمْثَالِ» به عنوان شاهد، معنای یقین را برای این واژه گزارش می‌کند (ابو عبید، ۱۹۹۰، ج ۲: ۶۲۹). در این باره نکته‌ای به نظر می‌رسد که جای تأمل دارد و آن اینکه چون در این بیت تشبیه ظن به ظن درست نبوده است، ظن به یقین تفسیر شده است؛ اما اگر ظن به امید و طمع معنا شود، مشکل برطرف می‌شود و ظن نیز از معنای خودش تهی نشده است و جزء معنایی عدم اطمینان را با خود دارد. پس احتمال دارد شاعر در این بیت با کاربرد واژه عسی یکی از معانی استعمالی ماده ظن را که طمع و رجاء است، روشن کرده است و این شاهد شعری برای تأیید معنای یقین برای ظن مناسب نیست.

صاحب صحاح نیز در بیان معنای لغوی ظن آورده است که معنای آن شناخته شده است و افزوده است که گاهی اوقات در موضع علم قرار می‌گیرد و به این بیت شعر استناد می‌کند: «فَقُلْتُ لَهُمْ ظُنُّوا بِاللَّيْلِ مُدَجِّجٌ؛ سَرَاهُمْ فِي الْفَارِسِيِّ الْمُسَرَّرِ»^۱ و می‌گوید ظن در اینجا به معنای یقین است؛ زیرا فرد دشمنش را با یقین می‌ترساند نه با شک (جوهری، ج ۶: ۲۱۶۰). درباره این شاهد شعری نیز این نکته قابل تأمل است که خوب است تا به وجه بلاغی کاربرد ظن در اینجا نیز توجه داشت. به نظر می‌رسد که از جهت بلاغی مناسب‌تر آن باشد که در این بیت شاعر مخاطبش را با القاء ظن و گمان ترساننده است؛ زیرا نیازی به یقین نیست و ظن به دشمن هم برای واداشتن مردم به همراهی کفایت می‌کند و روشن است که انسان از خطر محتمل هم پرهیز می‌کند. پس این شاهد شعری هم کفایت لازم و کافی برای تأیید معنای یقین برای لفظ ظن را ندارد.

برخی لغویان نیز ضمن گزارش معنای علم (یقین) برای ظن، بر این مطلب تأکید کرده‌اند که در اینجا مراد یقین عینی نیست، بلکه یقین تدبری است (ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۱۰: ۸). همچنین صاحب تاج العروس – به نقل از استادش^۲ – می‌گوید: ظن به جای یقین و علمی

۱. به ایشان گفتم گمان کنید که دو هزار مرد جنگی از قبیله مذحج بسوی شما روی آورده‌اند که بزرگان ایشان همه در زره‌های بافت فارس هستند.

۲. هرگاه صاحب تاج العروس عبارت شیخ المصنف یا شیخنا گوید، مرادش محمد بن عثمان بن قایماز است.

که محسوس باشد، استعمال نمی‌شود (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۸: ۳۶۳). همه این نکات حاکی از آن است که ظن به معنای علم یقینی نیست؛ بلکه اگر هم معنای علم برای آن گزارش شده است، علم ظنی با احتمال خلاف در آن، اراده شده است.

۲-۳. طمع و رجاء

ابن کيسان، نحوی و لغوی قرن سوم، درباره این بیت شعر از ابو عبیده که «ظَنُّ بِهِمْ كَعَسَى...»؛ که در کتب لغت شاهدهی برای اثبات معنای یقین برای ظن است گفته است: «شاعر چون نزد خودش گمان برده است که به حقیقت علم دست یافته است آن را به عسی تمثیل کرده است که نشان از قوت ظن و غلبه آن دارد» (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۳: ۵۵). همچنین به باور ابن کيسان عسی از حروف مقاربه است که معنای ترجی و طمع را با خود دارد و عسی از جانب خداوند متعال واجب است؛ اما از ناحیه عباد، ظن است؛ زیرا علم عبد نسبت به امور آینده از طریق شواهد و قرائن حاصل می‌شود و گاه آن شواهد چنان که می‌نمایند، نیستند و ممکن است باطل شود؛ بنابراین با بیان عسی تلاش کرده است ظن غالبی خود را حکایت کند که منتهای علم او درباره آینده است (ازهری، ج ۳: ۵۵). ابن منظور نیز پس از گزارش قول أبو عبیده، به نقل از اصمعی می‌گوید: «ظَنِّي بِهِمْ كَعَسَى - أَيْ لَيْسَ بِثَبْتِ كَعَسَى - يَرِيدُ أَنَّ الظَّنَّ هُنَا وَ إِنَّ كَانُ بِمَعْنَى اليَقِينِ فَهُوَ كَعَسَى - فِي كَوْنِهَا بِمَعْنَى الطَّمَعِ وَ الرَّجَاءِ» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۵۵). بدین ترتیب باز هم بر این نکته که معنای اصلی در این ماده همان عدم اطمینان است، تأکید می‌شود. افزون بر آن روشن می‌شود که ظن در معنای امید و رجاء هم به کار می‌رود. صاحب البصائر نیز رجاء را به ظنی که حصول امری مسرورکننده را اقتضاء دارد، معنا کرده است (فیروز آبادی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۴۵).

۲-۴. ترجیح یکی از دو طرف احتمال

برخی از لغویان نیز ظن را ترجیح یکی از دو طرف احتمال (اعتقاد غیر جازم) دانسته‌اند که گاه در جایگاه علم قرار می‌گیرد (ازدی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۸۵۳؛ فیروز آبادی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۲۴۲؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۸: ۳۶۳). با این نگاه باید گفت که در استعمال ظن، هنوز احتمال طرف مقابل نفی نشده است؛ بنابراین همچنان همان معنای اصلی یعنی عدم اطمینان از آن برداشت می‌شود.

۲-۵. اعتقاد مبتنی بر اماره^۱

راغب اصفهانی بر این باور است که ظن از طریق اماره (نشانه) حاصل می‌شود و گاه قوّت می‌یابد و تا حدّ علم و یقین بالا می‌رود و گاه ضعیف می‌شود و تا حدّ توهم و خیال تنزّل پیدا می‌کند (راغب، ۱۴۱۲: ۵۳۹). بر این اساس ظن بین دو حد علم و وهم در نوسان است. لازم به ذکر است، اماره دلیل ظنی معتبر یا همان دلیل علمی است که کاشف از واقع نیست. پس آنچه از طریق اماره حاصل می‌شود، همان ظن است که نمی‌تواند قائم مقام قطع و علم باشد. التحقیق نیز اصل معنایی در ماده لغوی ظن را اعتقاد ضعیف و غیر مُستدلّ دانسته است که حق یا باطل است و هنوز به مرتبه یقین که ادراک قاطع است نرسیده است (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۱۸۲).

۲-۶. تحلیل آراء لغوی

بنا به تحقیق جزء معنایی اصیل برای ماده ظن بر اساس گزارش لغویان همان معنای اول یعنی عدم اطمینان است و همه معانی گزارش شده، جزء معنایی عدم اطمینان را با خود دارد. این معنا به خصوص در مفهوم «طمع و رج» «ترجیح یکی از دو طرف احتمال» و «اعتقاد مبتنی بر اماره» به وضوح درک می‌شود.

اما درباره اینکه ذکر دو معنای علم و یقین در گزارش‌های لغوی باعث شده است تا برخی لفظ ظن را در زمره واژگان اضداد محسوب کنند؛ باید گفت با توجه به بخش‌های مختلف گزارش‌های لغوی و نیز شواهدی که ایشان ارائه داده‌اند، معنای علم یا یقین به عنوان معنایی خاص، با تکیه بر برخی شواهد برای ظن گزارش شده است، به طوری که در این گزارش‌ها گاه به تفاوت بین ظن به معنای علم با علم یقینی اشاره شده است و این مطلب دلالت دارد که باید ظن را به معنای علمی که احتمال خلاف در آن راه دارد، دانست نه علم یقینی که تردیدناپذیر است؛ بنابراین در گزارش این معنای خاص هم همچنان آن جزء معنایی اصیل در ماده ظن، یعنی عدم اطمینان محفوظ است. افزون بر آنکه شواهد ایشان در گزارش این معنای خاص، با همان معنای اصلی ظن قابل تبیین است و در تمام موارد استعمال، جزء

۱. اماره دلیل ظنی معتبر است که از آن به دلیل علمی نیز تعبیر می‌شود.

معنایی تفکیک‌ناپذیر ماده ظن، مفهوم عدم اطمینان است. لازم به ذکر است که مراد از اطمینان در اینجا (عدم احتمال خلاف) و به عبارت دیگر همان علم یقینی است. مؤید مهم دیگر در اثبات معنای اصلی گمان و وجود جزء معنایی عدم اطمینان در ماده ظن، این است که در دیگر زبان‌های سامی که خانواده زبان عربی است، ماده ظن به معنای گمان کردن به کار رفته است (مشکور، ۱۳۵۷، ج ۲: ۵۳۹). «القاموس المقارن» نیز معنای «رغب فی» را برای این ماده لغوی در زبان سریانی و معنای «مال» را برای آن در زبان حبشی گزارش کرده است (خالد اسماعیل علی، ۱۴۳۰ هـ ذیل ماده ظن)، که تأییدی است بر آنکه در این دو زبان سامی معنای اصلی ظن، جزء معنایی عدم اطمینان را با خود دارد. البته باید توجه داشت، الزامی ندارد تا برای اثبات ادعای عدم صحت کاربست واژه ظن در معنای یقین در آیات قرآن کریم، کاربست این واژه در معنای یقین در سایر امثال، اشعار و کلام عرب نیز نفی گردد. بلکه حتی با فرض صحت این مطلب و بر فرض قبول و تأیید این شواهد محدود و تأیید معنای یقین برای ظن، کاربست ظن در معنای یقین در اشعار و کلام عرب قابل پذیرش است و با توجه به معنای اصلی این واژه و شاخصه اعجاز در آیات قرآن کریم، نمی‌توان بر پایه چنین شواهد متزلزلی این معنا را در قرآن کریم اثبات کرد. افزون بر این، قیاس قرآن به اشعار عربی و بالعکس، قیاس مع الفارق است؛ زیرا سیاق آیات قرآن در موارد کاربست واژه ظن، بسان سیاق شواهد موجود در کتب لغت نیست. تنها کشف معنای اصلی واژه ظن بر مبنای ادبیات عرب ضرورت دارد که همانطور که تأکید شد در تمام موارد استعمال، جزء معنایی تفکیک‌ناپذیر ماده ظن، مفهوم عدم اطمینان است و طبق اصول معناشناسی الفاظ، باید این معنای اساسی و اصلی واژه ظن مبنای تعیین معناهای نسبی و گوناگون آن در سیاق‌های مختلف باشد.

۳. نگاهی به آراء مفسران درباره مفهوم ظن

معنای مشهور ماده ظن در میان مفسران ترجیح یکی از دو امر جایز همراه با احتمال نقیض آن است (ر.ک: ابو حیان، ۱۴۲۰، ج ۶: ۳۴، صدر المتألهین، ۱۳۶۱، ج ۳: ۲۹۵؛ ابن

عاشور، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۱۷۱). این معنا غیر از معنای لغوی این واژه است و از دانش اصول فقه به تفاسیر راه یافته است.^۱ مفسران در بسیاری از آیات، ماده ظن را بر این معنا حمل کرده‌اند. در مصادر وجوه نظایر پنج وجه معنایی شک، یقین، تهمت، حسابان و کذب را برای ماده ظن گزارش کرده‌اند (ن.ک: دامغانی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۶۱؛ تفسیری، ۱۳۷۱، ش، ج ۱: ۱۹۸؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۵۴۶). این پنج وجه، گزارش وجوه مختلف تفسیری ظن در آیات قرآن کریم است. لازم به ذکر است که وجوه شک، تهمت، حسابان با ظن تناسب معنایی بیشتری دارند و شاید بتوان گفت دارای ترادف نسبی هستند. به باور برخی مفسران ظن و شک و تجویز نظیر یکدیگرند؛ جز آنکه ظن ترجیح یکی از دو امر بر دیگری با وجود احتمال خلاف آن است. پس با تجویز از علم و با ترجیح از شک متمایز می‌گردد (طوسی، بی تا، ج ۱: ۲۰۶)، همانطور که در پیشینه اشاره شد، برخی پژوهش‌ها به بررسی نسبت این وجوه معنایی با ماده ظن پرداخته‌اند. تفسیر ظن به کذب نیز محدود است و برخی مفسران که چنین تفسیری داشته‌اند، نقد شده است (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۱: ۴۴۵) اینکه ظن در قرآن کریم گاه به معنای گمان مقابل علم و گاه به معنای علم به کار رفته است، باعث شده است که ابوجعفر طبری آن را از لغات اضداد محسوب کند (جامع البیان، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۰۶). بلکه بیشتر مفسران بر آن شده‌اند که ظن دارای دو معنای متضاد یقین و شک است (شاکر، ۱۳۸۶: ۱۰۷). لازم به ذکر است در اکثر آیات قرآن ماده ظن به معنای معروفش تفسیر شده است و تنها در برخی از این ۶۹ مورد استعمال ماده ظن به علم و یقین تفسیر شده است. صاحب البصائر این موارد را ده آیه دانسته است (۱۴۱۶، ج ۳: ۵۴۶)، که وجه تبیین ظن به معنای اصلی آن در این ده آیه در بخش پایانی بیان خواهد شد.

بسیاری از مفسرانی که واژه ظن در برخی آیات را به نحو حقیقی یا مجازی به علم (یقین) تفسیر کرده‌اند، در صدد بیان وجه تمایز آن نیز بوده‌اند، گویا لازم دانسته‌اند که تفاوت بین ظن و علم (یقین) را ذکر کنند. چنانکه فراء ذیل آیه «وَ ظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ» بیان می‌کند که ظن در این آیه به معنای علم است و می‌افزاید هر گاه ظن بر سر خبر وارد شود جایز است تا

^۱ طرف راجح از دو طرف تردید موجود در ذهن، ظن است. ظن وصف نفسانی در برابر قطع و شک است (مشکینی ادریبلی،

آن را در معنای علم بدانیم جز آنکه مراد از علم در اینجا علم «بما لایعین» است (فراء، ۱۹۸۰، ج ۲: ۴۰۴؛ نحاس، ۱۴۲۱، ج ۳: ۳۱۰). یا مفسری دیگر ذیل این آیه بیان می‌کند، هرچند ظن در اینجا به معنای یقین است؛ اما مراد از ظن، یقین عینی نیست؛ زیرا در مورد اعیان فقط لفظ علم به کار می‌رود (ابن ابی‌زمین، ۱۴۲۴، ج ۲: ۲۲۹). شیخ طوسی نیز ذیل آیه ۴۶ سوره بقره پس از تفسیر ظن به علم و یقین، از مبرد نقل می‌کند که در کلام عرب ماده ظن برای علم المشاهد (علم عینی) به کار نمی‌رود (طوسی، بی تا، ج ۱: ۲۰۵).

صدرالمतालہین هم بر این باور است که وجه استعمال ظن در معنای علم در برخی آیات قرآن آن است که علم اکثر مردم در دنیا به نسبت علم ایشان در آخرت همانند ظن است، افزون بر آنکه علم حقیقی تنها برای اهل یقین یعنی انبیاء و اولیاء و اوصیاء و صدیقین حاصل می‌شود (شیرازی، بی تا، ج ۳: ۵۱۷-۵۱۸). زمخشری نیز پس از تفسیر ظن به علم بیان می‌دارد که «ظن جاری مجرای علم واقع شده است، زیرا ظن غالب، در حوزه عادات و احکام جایگزین علم می‌شود» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۶۰۳). این توجیه را با الفاظ مشابه در دیگر منابع لغوی و تفسیری می‌توان دید (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۹: ۱۲۲). بر این اساس تفسیر و تعریف ظن به علم و قرار دادن آن در جایگاه علم بدان معنا نیست که با علم یقینی برابر است.

۴. نکاتی در تفسیر واژه ظن

وجه تفسیر واژه ظن به علم در برخی آیات و برشمردن ماده ظن در زمره اضداد قرآنی در تفاسیر قرآن کریم نیازمند دقت نظر بیشتر است. برخی نکاتی که در این پاره شایسته تأمل است، عبارتند از:

۱-۴. به نظر می‌رسد که ظن و علم (یقین) از یک جنس باشند و نسبت آنها بیش از آنکه ضدیت باشد تقابل است؛ زیرا تفاوت عمده این دو، تفاوت رتبی است و ظن اشاره به مراحل قبل از مرحله علم قطعی است. در معناشناسی معاصر اصطلاح تقابل معنایی در برابر اصطلاح سنتی تضاد استعمال می‌شود و تضاد تنها نوعی از تقابل معنایی محسوب می‌شود. تقابل معنایی، گونه‌های مختلفی را شامل می‌شود که باید از یکدیگر بازشناخته شوند و تحت عناوین مشخصی طبقه‌بندی شوند (صفوی، ۱۳۹۰: ۱۱۷-۱۲۰).

۲-۴. معنای مشهور ظن در میان مفسران، که از دانش اصول فقه به تفاسیر راه یافته است، تعریفی اصطلاحی است. هرچند در این تعریف نیز اصل معنای ماده ظن، که همان عدم اطمینان است وجود دارد. اما این تعریف از ظن، اخص از معنای لغوی آن است. زیرا در این تعریف ظن به معنای اعتقاد راجح در برابر اعتقاد مرجوح است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۳: ۵۱۷)؛ اما بر اساس معنای لغوی ظن احتمال ضعیف را هم شامل می‌شود؛ زیرا بر اساس کاربردهای اولی و حسی این ماده لغوی، به چاهی که معلوم نباشد در آن آب وجود دارد یا ندارد، ظنون گویند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۱۵۱)، یا عرب به فرد ضعیف در تدبیر یا کم تدبیر ظنون گفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۲۷۳).

۳-۴. برخی پژوهشگران مسلمان اطمینان را از مصادیق یا مراتب عالی ظن دانسته‌اند یا آن را همان علم عادی یا علم عرفی تلقی کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۳۱۲؛ شهید صدر، ۱۴۰۵، ج ۲: ۱۱۸). به نظر می‌رسد تفسیر ظن به علم در قرآن در واقع متأثر از همین رویکرد است. به ویژه آنکه این تأویل بیشتر در آیاتی صورت گرفته است که از سیاق و بافت آیه روشن می‌شود که ظن اطمینانی مورد نظر بوده است؛ مانند «وَ ظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ رَاكِعًا وَ أَنَابَ» (ص/۲۴).

۴-۴. عموم مفسران به جای تفکیک مراتب ظن در آیات، و متمایز کردن ظن اطمینانی و معتبر از ظن غیر اطمینانی و نامعتبر، ماده ظن را از معنای ظاهری آن دور کرده‌اند و آن را به علم تفسیر کرده‌اند و چون ممکن بوده است مخاطب بین آن و علم قطعی خلط کند، توضیحاتی را ضمیمه کرده‌اند که مثلاً در اینجا که ظن به علم تفسیر شده است، علم غیر یقینی یا همان علم عادی که احتمال خلاف واقع در آن وجود دارد، ملاحظه شده است؛ این در حالی است که تفکیک بین مراتب ظن و بیان اینکه سیره عقلا آن است که با ظن اطمینانی به مثابه علم معامله می‌کنند، امکان تفسیر روشن‌تری از این آیات را فراهم می‌کند؛ بدون آنکه نیاز باشد ظن برخلاف ظاهر آن، در این آیات به علم تفسیر شود.

۴-۴. برخی مفسران نیز با تمایز گذاشتن میان ظن عقلی و ظن قلبی، به تفسیر آیات ظن بر اساس معنای حقیقی آن پرداخته‌اند و بیان کرده‌اند که «فصیح و صحیح نیست که از علم به ظن تعبیر شود، در حالی که قرآن کتاب عربی مبین است و ظن در جایگاه خود ظن و علم

همان علم است و از دیرباز ظن قلبی، علم و برتر از آن بوده است و علم عقلی، ظن و ضعیف‌تر از آن بوده است. وجه تمایز علم و یقین و ظن آن است که علم و ظن علمی با برهان عقلی یا حسی بدون نیاز به انجام نیکی و ترک بدی حاصل می‌شود، اما یقین یا ظن یقینی بعد از حصول علم عقلی جز با انجام نیکی و ترک بدی حاصل نمی‌شود» (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۳۸۹-۳۹۰).

۴-۵. احادیثی نیز درباره تفسیر ظن در برخی آیات به علم یا یقین شاهد آورده شده است؛ از حضرت علی (ع) روایت شده است که: «يُظَنُّونَ أَتَمَّ مَلَاقُوا رَبَّهُمْ يَعْنِي أَتَمَّ يَوْقُونَ أَتَمَّ يَبْعَثُونَ وَيُحْشِرُونَ وَيُحَاسِبُونَ وَيُجْزُونَ بِالتَّوَابِ وَالْعِقَابِ؛ وَالظَّنَّ هُنَا الْيَقِينَ» (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۰۹). در ظاهر به نظر می‌رسد که این روایت در تأیید تفسیر ظن به یقین در برخی آیات است؛ اما در این روایت بیان شده است که ظن ایشان، یقین است، نه آنکه واژه ظن از نظر لغوی در این آیه به یقین تفسیر شود. در تأیید این مطلب می‌توان وجه دیگر روایت فوق را یادآور شد؛ «عن علی عليه السلام في قوله الذين يظنون أنهم ملاقوا ربهم: يوقنون أنهم مبعوثون و الظن منهم يقين» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۴؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۰۹). شاید این مسئله مطرح شود؛ اینکه واژه ظن برای برخی ظن و برای برخی یقین معنا شود، درست نیست. بله چنین است اما با تمایز بین ظن قلبی و ظن عقلی، مشکل برطرف می‌شود؛ زیرا گاه ظن در برابر علم قرار می‌گیرد که همان ظن عقل است و ظن عقل در ایمان کفایت نمی‌کند و گاه ظن در برابر یقین قرار می‌گیرد که همان ظن قلب است که بر علم غلبه دارد، بلکه گاه از علم عقلی قوی‌تر است؛ از این رو چه بسا «الظانون في قلوبهم» همگی مؤمنون به الله و خاشعون برای الله هستند؛ در برابر «العالمين بعقولهم» که چه بسا اهل انکار باشند: «وَجِدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ» (نمل/۱۴) (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۳۸۹-۳۸۸).

۴-۶. شیوه کاربرد یک واژه و همنشین‌های آن در آیات مختلف در فهم معنای آن مؤثر است. ماده ظن در قرآن کریم در برخی آیات، همراه بلکه در مقابل علم و یقین به کار رفته است که می‌تواند حاکی از آن باشد که قرآن کریم آنها را متفاوت از هم دانسته است، مانند: «ما لهم به من علمٍ إلا اتباع الظن» (نساء/۱۵۷)؛ «قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنَّ نَبْذًا لَنَا وَمَا

تَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ» (جاثیه / ۳۲)؛ «وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» (جاثیه / ۲۴)؛ «وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ» (نجم / ۲۸).

۴-۷. در برخی آیاتی که به نظر می‌رسد، بیان واژه علم (یقین) در آنها مناسب‌تر از ظن است. یکی از حکمت‌ها آن است که در این آیات انکاری که از نفی ظن حاصل می‌شود، بسیار بلوغ‌تر از انکاری است که از نفی علم استفاده می‌شود و مبالغه را می‌رساند؛ مانند: «أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ» (المطففين / ۴). همچنان که تعبیر به ظن در آیه ۴۶ سوره بقره به باور برخی مفسران برای آن است که کسی که گمان به لقاء الله داشته باشد، نماز بر او دشوار نیست و اهل خشوع است چه برسد به آنکه اهل یقین باشد و روشن است که اکتفا به ظن در تقریر و توییح بلوغ‌تر است (مراغی، بی تا، ج ۱: ۱۰۷).

۴-۸. تفسیر ظن به یقین در برخی آیات قرآن کریم در تفاسیر و نیز در کتب لغت بیشتر مبتنی بر برخی باورهای کلامی است. به باور برخی پژوهشگران از قرن سوم پیش‌فرض‌های کلامی و فلسفی در میان مفسران رواج یافت از این رو مثلاً ملازم‌انگاری ایمان و یقین در اندیشه مفسران دیده می‌شود؛ به نحوی که ایمان با گمان قابل جمع دانسته نمی‌شود، در حالی نمی‌توان این مطلب را پذیرفت و بر اساس ظاهر آیات ایمان با گمان قابل جمع است (ساجدی، ۱۳۹۷: ۱۲۴).

۵. تفسیر ظن به معنای لغوی آن در آیات ده‌گانه

باور به اعجاز لفظی قرآن و استعمال دقیق و اعجاز گونه الفاظ در آیات، تفسیر ظن به یقین را در این آیات کمی دشوار و نیازمند دلیل متقن می‌سازد. افزون بر این مطلب طبق قواعد فقهی، در «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» (نوری طبرسی، ج ۱۷: ۳۶۸)، یعنی دلیل بر عهده مدعی است و با توجه به آنکه معنای اصلی و اساسی واژه ظن، گمان است؛ ارائه دلیل بر عهده فردی است که به تفسیر ظن در آیات مختلف بر خلاف معنای اصلی و اساسی آن پرداخته است. اما با این وجود به نظر می‌رسد بهتر باشد تا نگاهی دوباره به این آیات شود تا به جای تفسیر این آیات بر خلاف ظاهر آن، به تحلیل این نکته پرداخته شود که چرا در برخی آیات به جای لفظ یقین و الفاظی که تصور می‌شود تناسب بیشتری با آن دارند؛ لفظ ظن استعمال شده است.

۵-۱. «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (البقره/ ۴۶)؛

بسیاری از مفسران، ظن در این آیه را به معنای یقین دانسته‌اند (ن.ک: شیخ طوسی، [بیتا]: ج ۱: ۲۰۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۲۰؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱: ۴۶۵). از آنجا که فرد خاشع در ملاقات پروردگارش تردید ندارد، جمهور مفسران، یظنون را به یوقنون معنا کرده‌اند (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۱: ۳۰۰). شیخ طوسی نیز ذیل آیه «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (البقره/ ۴۶) بیان می‌کند که چگونه است که کسانی که به خشوع در طاعت مدح شده‌اند در اینجا «بأنهم يظنون بأنهم ملاقوا ربهم» وصف شده‌اند؟ و پاسخ می‌دهد که در اینجا ظن به معنای علم و یقین است (طوسی، بی تا، ج ۱: ۲۰۵). علامه طباطبایی در عین حال که به جهت فرض کلامی از ظاهر آیه عدول کرده است و ظن را در این آیه به یقین تفسیر کرده است، در تبیین وجه استعمال کلمه «ظن» در این آیه باید گفت هرچند اعتقاد به ملاقات با پروردگار از اموری است که باید درباره آن به یقین رسید «و بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (بقره/ ۴)؛ اما از آنجا که صرفاً ظن و گمان به قیامت و لقاء الله می‌تواند سبب ایجاد خشوع در وجود انسان شود، ضرورتی برای حصول علم نیست و به واژه ظن اکتفا کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۵۲). اما از آنجا که با همان معنای ظاهری واژه ظن معنای ویژه مناسبی است، برخی پژوهشگران عدول از معنای ظاهری آیه را جایز ندانسته‌اند و تأکید کرده‌اند که ظن به دیدار پروردگار و حشر برای اصلاح عمل و خشوع در برابر خداوند کفایت می‌کند (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۲۷۴). در این صورت باید گفت کاربرد ظن در اینجا بسیار بلیغ‌تر است. به باور برخی پژوهشگران، چون انسان به طور غریزی، ضرر محتمل و مظنون را در قضایای دنیوی و نیز در امور اخروی از خود دفع می‌نماید، از لفظ ظن استفاده شده است تا بیان کند همین احتمال هم برای اینکه شخص بی تفاوت نباشد و جانب احتیاط را از دست ندهد کافی است (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲: ۲۵).

افزون بر آنکه می‌توان گفت، ظن در این آیه به دلالت مفهومی و این که ناظر به خشوع قلبی است؛ به ظن قلبی (در برابر یقین)، و نه ظن عقلی (در برابر علم) اشاره دارد و چنین ظنی است که خاشعان را به خشوع وای می‌دارد؛ به نحوی که نماز و دیگر تکالیف، بر دوششان سنگینی نمی‌کند؛ در برخی آیات دیگر هم چنین ظنی است که ممدوح است: «قَالَ الَّذِينَ

يَطُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» (البقره / ۲۴۹) «إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَّةٍ. فَهَوِيَ فِي عَيْشَةٍ رَاضِيَةٍ» (الحاقه / ۲۰ و ۲۱) «وَأَنَا ظَنَنْتُ أَنَّ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا» (الجن / ۱۴) (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۳۸۸-۳۸۹).

۵-۲. «وَوَظَنُّوا أَنَّهُ الْفِرَاقُ» (القیامه / ۲۸)؛

در این آیه هم از نگاه عموم مفسران ظن به علم و یقین تفسیر شده است؛ اما اینکه چرا در این آیه نیز به رغم آنکه انتظار بر آن است که واژه علم یا یقین به کار رود، واژه ظن استعمال شده است؛ برای اشاره به این نکته ظریف است که مادامی که روح به بدن تعلق دارد، به جهت شدت علاقه به دنیا، هنوز طمع به حیات دارد، در واقع به رغم آنکه نشانه‌های مرگ آشکار می‌شود، هنوز یقین به مرگ حاصل نشده است، بلکه در آن هنگام ظن غالب توأم با طمع به حیات شکل می‌گیرد، چون فراق از دنیا که بهشت اوست و معشوق اوست را دوست ندارد و این معنا مورد تأیید سیاق این آیات است که می‌فرماید: «كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ»؛ (القیامه / ۲۰-۲۱).

۵-۳. «إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَّةٍ» (الحاقه / ۲۰)؛

بسیاری از مفسران بر این باورند که باید مؤمن، به امور اخروی مثل حساب، یقین داشته باشد و واژه ظن در این آیه را به علم یا یقین تفسیر کرده‌اند؛ اما در آیه لفظ ظن به کار رفته است که لفظی مستقل از یقین است. با توجه به سیاق آیات گویی این آیه در مقام تعلیل است و می‌خواهد بیان کند که علت داده شدن کتاب به دست راست و عاقبت به خیری او آن است که در دنیا با ظن به مواجهه با نتیجه اعمال خود و حسابرسی و انکار نکردن این مواجهه، به انجام اوامر و ترک نواهی پرداخته است و خود را مهیای این روز کرده بوده است و همین ظن او را برای استعداد برای این روز کفایت کرده است و اکنون در قیامت که حساب محقق شده است، به یقین رسیده است و خوشحال است. البته ظن در اینجا ظن غالب است از این رو بسیاری از مفسران آن را به علم یا یقین تفسیر کرده است؛ زیرا میان علم و ظن مناسبت وجود دارد. برخی مفسران در باره این رابطه بیان کرده‌اند که ظن جاری مجرای علم است و ظن غالب به جای علم می‌نشیند و با آن معامله علم می‌شود (زمخشری، ۱۴۰۳، ج ۴: ۶۰۳). اما از نگاه برخی دیگر چون اعتقاد به امور اخروی به طور مطلق، مثل سایر علوم نظری است که از

بیم‌ها و خیالات در امان نیست، از آن به ظن تعبیر شده است تا دلالت کند به اینکه ظن در برخی امور متعلق به آخرت - مثل چگونگی حساب - به ایمان آسیبی نمی‌رساند و جایز است (ابوالسعود، ۱۹۸۳ م، ج ۹: ۲۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۵۴).

۴-۵. «وَأَنَا ظَنُّنَا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَ لَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا» (الجن/۱۲)؛

بسیاری از مفسرین ظن در این آیه را به یقین تفسیر کرده‌اند؛ زیرا به نظر می‌رسد که بر آن بوده‌اند که این گروه از جن، حال خود را بعد از استماع قرآن و ایمان به آن گزارش کرده‌اند. اما با تکیه بر سیاق روشن می‌شود که آنها در حال گزارش اندیشه‌های خود پیش از ایمان هستند. پس بیان کرده‌اند که آنها فکر کرده بودند که اگر خداوند بخواهد بندگان عاصی خود را عذاب کند آیا می‌توانند از خود محافظت کنند یا از عذاب بگریزند و با تأمل این ظن بر ایشان غالب شده است که اگر خداوند بخواهد ایشان را عذاب کند ایشان در برابر خداوند ناتوان خواهند بود. همین تأملات و تفکرات ذهن و اندیشه ایشان را مهیای تسلیم در برابر خداوند متعال نموده بود، از این رو به محض مواجهه با قرآن و ندای دعوت پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله ایمان آوردند.

به باور برخی مفسرین ظن در این آیه به ظن قلبی اشاره دارد که مجاور یقین است نه ظن عقلی که کفایت نمی‌کند و از مؤمنین پذیرفته نمی‌شود، تکرار «لن» نیز که دلالت بر استحاله مدخول آن دارد، قرینه‌ای محکم است بر اینکه در اینجا ظن قلبی اراده شده است؛ زیرا در ظن عقلی بلکه یقین عقلی گاه احتمال تعجیز دیده می‌شود (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۹: ۱۸۴).

۵-۵. «أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ» (المطففين/۴)؛

در این آیه ساختار جمله - استئناف با الا مرکب از همزه استفهامیه و لا نافی - به روشنی حاکی از آن است که قصد تهویل وجود دارد و مقصود آیه این است که اگر مطففین صرفاً گمان به قیامت داشته باشند، همین گمان کفایت می‌کند که آنان را از کم‌فروشی باز بدارد و مانع از جسارت ایشان به ارتکاب چنین اعمالی در محضر خداوند گردد؛ اما در واقع امر این افراد گمان به قیامت هم ندارند چه رسد به یقین؛ از این رو اگر چه برخی مفسران ظن در این آیه را هم به علم یا یقین تفسیر کرده‌اند، اما برخی دیگر بر وجود وجه بلاغی در کاربرد واژه

ظن تأکید کرده‌اند و ظن را به معنای معروف آن تفسیر کرده‌اند (ابی السعود، ۱۹۸۳، ج ۹: ۱۲۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۲۷۷؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۱۷۱، طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۲۳۱).

۵-۶. «و ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَ ظَنُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَّحِيصٍ» (فصلت/۴۸)؛

روزی که خدای تعالی مشرکین را از دور صدا می‌زند: کجا هستند شریکان من؟ مشرکین اعلام می‌کنند که احدی از ما نیست که شرکایی برای تو ببیند. آری در آن روز آن خدایانی را که در دنیا به جای خدا می‌خواندند، از نظر ایشان غایب می‌شوند و یقین می‌کنند که دیگر هیچ گریزگاهی از عذاب ندارند.

در چنین سیاقی تقریباً همه مفسران ظن را به یقین تفسیر کرده‌اند؛ زیرا جایی برای ظن نیست و احتمال محیص برای ایشان با توجه به مشاهده عذاب الهی ساقط است؛ اما می‌توان گفت با توجه به سیاق آیه پس از آنکه مخاطب ندای الهی قرار می‌گیرند که «این شرکایی؟» از یک طرف به خاطر انکار کردن ایشان وجود شرکاء را «آذناک ما منا من شهید»، به نحوی که چنان از این ندا متأثر می‌شوند که تمام گذشته را به فراموشی می‌سپارند «و ضل عنهم ما كانوا يدعون من قبل» و از طرف دیگر به جهت اندک ظهور رحمت الهی - همین که در آن شرایط مخاطب ندای الهی قرار می‌گیرند برای ایشان غنیمت بزرگی است - و گمان به بقای این بارقه امید است که باعث تصور وجود محیص می‌شود؛ از این رو بر خلاف انتظار اولیه از ظاهر آیه، می‌فرماید: «ظنوا». آیه بعد هم که می‌فرماید: «لا ينسأ الإنسان من دُعاء الخیر و إن مسه الشرُّ فَيُؤس قنوط» را می‌توان مویدی بر این تحلیل دانست.

۵-۷. «و ظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ» (یونس/۲۲)؛

بسیاری از مفسران ظن در این آیه را به همان معنای مشهور تفسیر کرده‌اند (طوسی، بی تا، ج ۵: ۳۶۰؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۶: ۳۴، آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶: ۹۲؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۱: ۵۶-۵۷) اما برخی مفسران ظن را در این آیه از جهت تحقق وقوع هلاکت در اعتقادشان یا کنایه از قرب هلاکت به معنای یقین گرفته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۱۵۳). اما تصور آن شرایط روشن می‌سازد که تنها فردی که در وضعیت خوف و رجاء است و تسلیم شرایط نشده است تنها راه نجات خود را در روی آوردن به درگاه الهی می‌داند و هنوز امید نجات و رهایی

دارد؛ بنابراین مفهوم ظن که یکی از معانی استعمالی آن هم طمع و رجاء است در این جایگاه مناسب‌تر است، در حالی که فردی که به هلاکت یقین پیدا کرده است، تسلیم شرایط می‌شود و شاید دیگر حتی دست به دعا هم بر ندارد.

۵-۸ «وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَ ظَنُّوا أَنَّهُ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيُتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (التوبه/۱۱۸)؛

این آیه ماجرای سه نفر از صحابه است که از دستور رفتن به غزوه تبوک خودداری کردند، به جهت تخلف ایشان از جهاد، رسول خدا (ص) امر فرمود که مردم از آنها کناره‌گیری کنند و کسی با آنها سخن نگوید و آنها ناچار به صحرا و کوه‌ها پناه بردند و زمین با وجود وسعتش بر آنها تنگ شد و دل‌هایشان در سینه‌ها به تنگ آمد و «ظَنُّوا أَنَّهُ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ». مفسران بر اساس معنای ظاهری آیه، ظن را در اینجا به یقین تفسیر کرده‌اند؛ اما برخی ظن را به معنای اصلی آن تفسیر کرده‌اند با این بیان که عاقبت امر ایشان متوقف بر وحی بود و چون ایشان مطمئن نبودند که قرآن در شان ایشان نازل شود یا اگر هم مطمئن بودند، چون تصور می‌کردند که این شرایط به طول خواهد انجامید، کاربرد ظن در اینجا مناسب بوده است (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۵: ۵۲۰).

۵-۹. «إِنْ ظَنَّا أَنْ يَفِيَّا حُدُودَ اللَّهِ» (البقره/۲۳۰)؛

اکثر مفسران ظن در این آیه را به همان معنای معروف تفسیر کرده‌اند. البته برخی مفسران آن را به امید داشتن تفسیر کرده است و افزون بر آن اقوالی در تفسیر ظن به علم و اطمینان را نقل کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۸۰). اما وجه استعمال ظن در این آیه آن است که انسان از آینده بی‌خبر است و نمی‌تواند با یقین درباره آن صحبت کند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۷۶)؛ بنابراین چون عواقب امور نامعلوم است، وجهی برای تفسیر ظن به علم وجود ندارد، افزون بر آنکه در اینجا ان ناصبه برای دلالت بر توقع است که منافی علم است (ابوالسعود، ۱۹۸۳، ج ۱: ۲۲۷). در نهایت آنکه هم از نظر لفظ و هم از نظر معنا وجهی برای تفسیر ظن در این آیه به علم وجود ندارد.

۵-۱۰. «وَ ظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ رَاكِعًا وَ أَنَابَ» (ص/۲۴)؛

این آیه هم از آیاتی است که مفسران، ظن را به علم تفسیر کرده‌اند. البته بسیاری از مفسران بعد از تفسیر آن به علم، برخی تحلیل‌ها را افزوده‌اند؛ مانند ظن قوی نزدیک به علم (طوسی، بی تا، ج ۸: ۵۵۳)، یا ظن غالب و استعاره‌ای برای علم (ابوالسعود، ۱۹۸۳، ج ۷: ۲۲۱، زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۸۸) یا تعبیر از علم نظری به ظن (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۳: ۱۵۱)؛ اما ظن در این آیه نیز باید به معنای معروف آن تفسیر شود، بدون آنکه نیازی به تأویل آن به علم باشد، چون با توجه به اینکه بحث فتنه الهی در میان است مدخلی برای علم باقی نمی‌ماند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۵: ۲۳۱) و از حضرت داوود (ع) به عنوان پیامبر الهی انتظاری جز این نیست که حتی با احتمال خطا هم استغفار کند.



نتیجه‌گیری

در معناشناسی مفردات قرآن کریم نخستین گام فهم معنای اصلی و حقیقی واژه بر اساس گزارش‌های لغوی موثق و تحلیل این گزارش‌ها است. توجه به معنای اساسی لفظ از نگاه مفسران و نیز معناشناسان معاصر پیش از توجه و کشف معنای نسبی لفظ با تکیه بر استعمال آن در سیاق‌های مختلف ضروری است؛ بنابراین اینکه برخی پژوهشگران بدون واکاوی لازم و کافی در گزارش‌های لغوی، به تحلیل معنای ظن بر پایه کاربردهای قرآنی این واژه پرداخته و معنای اصلی ظن را یقین دانسته‌اند، نمی‌تواند درست باشد.

بررسی کاربردهای حسی واژه ظن در گزارش‌های لغوی بر این مطلب صحه می‌گذارد که معنای اصلی و اساسی ماده ظن، گمان است که جزء معنایی عدم اطمینان محور آن است و از این جهت از یقین و علم متمایز می‌شود. طبق دیدگاه رایج، افزون بر معنای لغوی گمان، برای ماده ظن، معنای علم و یقین نیز گزارش شده و بر این اساس ظن در زمره واژگان اضداد محسوب شده است.

به رغم ظاهر گزارش‌های لغوی، تحلیل دقیق این گزارش‌ها نشان می‌دهد که ماده ظن تنها دارای یک اصل معنایی-عدم اطمینان- است که این معنا در تمام استعمال‌های آن دیده می‌شود. در تمام شواهد لغوی که جهت لحاظ کردن وجه معنایی علم و یقین برای ظن مورد استناد واقع شده‌اند، همان معنای اصلی گمان متناسب و قابل دفاع است و لذا این شواهد قوت کافی برای اثبات معنای یقین برای لفظ ظن را ندارد. از این رو لغویان و مفسرانی که ظن در برخی آیات را به علم تفسیر کرده‌اند، این نکته را مدنظر داشته‌اند که به نوعی وجه تمایز آن را با علم قطعی یادآور شوند؛ از این در در چنین رویکردهایی تفسیر ظن به یقین، به نزاعی لفظی شباهت دارد.

در نهایت آنکه، ظن از واژگان اضداد نیست و با علم و یقین مترادف ندارد؛ زیرا در استعمالات مختلف همواره جزء معنایی عدم اطمینان و احتمال را با خود دارد. با نگاه تفسیری مبتنی بر باور به کاربرد اعجاز گونه الفاظ در قرآن کریم به وضوح روشن می‌شود که ماده ظن در تمام کاربردهای قرآنی خود، اصالت معنایی‌اش را حفظ کرده است و معنای اصلی آن (گمان) در تناسب با سیاق آیات و دارای اشارات معنایی ظریف و حکیمانه است.

منابع

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷ش). **النهاية في غريب الحديث والأثر**. چاپ چهارم، ۵ جلد. قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ۳) ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۸۸م). **جمهرة اللغة**. سه جلد. بیروت: دار العلم للملایین.
- ۴) ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ق). **المحکم و المحيط الأعظم**. ۱۱ جلد. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ۵) ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). **معجم مقاییس اللغة**. ۶ جلد. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۶) ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). **لسان العرب**. چاپ سوم. ۱۵ جلد. بیروت: دار صادر.
- ۷) ابن ابی زینین، محمد بن عبدالله. (۱۴۲۴ق). **تفسیر ابن ابی زینین**. ۲ جلد. لبنان: دار الکتب العلمیة.
- ۸) ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ق). **تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور**. ۳۰ جلد. لبنان: مؤسسه التاريخ العربی.
- ۹) ابن عطیه، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲ق). **المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز**. بیروت: دارالکتب.
- ۱۰) ابو عیید، قاسم بن سلام. (۱۹۹۰م). **الغریب المصنف**. ۲ جلد. تونس: الموسسه الوطنیه للترجمه و التحقیق و الدراسات بیت الحکمه.
- ۱۱) ابوالسعود، محمد بن محمد. (۱۹۸۳م). **تفسیر ابی السعود (ارشاد العقل السلیم الی مزیای القرآن الکریم)**. ۹ جلد. لبنان: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۲) ابوحیان، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰ق). **البحر المحيط فی التفسیر**. ۱۱ جلد. لبنان: دار الفکر.
- ۱۳) ازدی، عبدالله بن محمد. (۱۳۸۷ش). **کتاب الماء**. ۳ جلد. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران-موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل.
- ۱۴) ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). **تهذیب اللغة**. ۱۵ جلد. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۵) ایروتسو، توشیهیکو. (۱۳۶۱ش). **خدا و انسان در قرآن**. ترجمه احمد آرام. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۱۶) آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**. ۱۶ جلد. لبنان: دار الکتب العلمیة.
- ۱۷) بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۵ق). **البرهان فی تفسیر القرآن**. ۵ جلد. ایران: قم: موسسه البعثة.
- ۱۸) تفسیری، حبیب بن ابراهیم. (۱۳۷۱ش). **وجوه قرآن**. ۲ جلد. تهران: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات.
- ۱۹) جرجانی، عبدالقاهر. (۱۴۰۳ق). **دلائل الاعجاز**. دمشق: مکتبه سعیدالدین.

- ۲۰) دامغانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۶ ق). **الوجوه و النظائر لالفاظ كتاب الله العزيز** ۲. ج. مصر: قاهره: وزارة الاوقاف، المجلس الاعلى للشئون الاسلامية، لجنة احياء التراث الاسلامی.
- ۲۱) راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). **مفردات ألفاظ القرآن**. ۱ جلد. بیروت: دار القلم.
- ۲۲) رمانی، علی بن عیسی، ابوسلیمان حمد بن محمد بن خطابی و عبدالقاهر جرجانی. (بی تا). **ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن**. ج ۴. قاهره: دارالمعارف.
- ۲۳) روحی برندق، کاووس و همکاران. (۱۳۹۶ ش). **«واکاوی و ارزیابی ترجمه مفردات قرآن (مطالعه موردی: ماده ظن)»**، دوفصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث. دوره ۴. شماره ۸. صص ۷۳-۱۰۳.
- ۲۴) زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ ق). **تاج العروس من جواهر القاموس** ۲۰. جلد. بیروت: دار الفکر.
- ۲۵) زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ ق). **الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل فی وجوه التأویل**. چاپ سوم. ۴ جلد. لبنان: دار الكتاب العربی.
- ۲۶) ساجدی، مریم. (۱۳۹۷ ش). **«کاربرد ظن در قرآن کریم: تاملی پیرامون اقوال مفسران در تفسیر ظن به یقین»**. دوفصلنامه پرتو وحی. دوره ۶. شماره ۱. شماره پیاپی ۱۰. صص ۱۰۱-۱۲۶.
- ۲۷) السامرائی، ابراهیم. (۱۹۶۶ م). **التطور اللغوی التاريخی**. قاهره: دارالرائد للطباعة.
- ۲۸) شاکر، محمد کاظم. (۱۳۸۶ ش). **«پژوهشی در معنای ظن و جایگاه معرفتی و اخلاقی آن در قرآن»**. مقالات و بررسی‌ها. شماره ۸۴.
- ۲۹) صاحب، اسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴ ق). **المحیط فی اللغة** ۱۱ جلد. بیروت: عالم الکتب.
- ۳۰) صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۰۶ ق). **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه**. چاپ دوم. ۳۰ جلد. ایران: قم: فرهنگ اسلامی
- ۳۱) صدر، محمد باقر. (۱۴۰۵ ق). **دروس فی علم الاصول**. بی جا: دارالمنتظر.
- ۳۲) صفوی، کوروش. (۱۳۹۰ ش). **درآمدی بر معنی شناسی**. چاپ چهارم. تهران: سوره مهر.
- ۳۳) طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۰ ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. چاپ دوم. ۲۰ جلد. لبنان. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- ۳۴) طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ ش). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. چاپ دهم. ۳ جلد. ایران: تهران: ناصر خسرو.
- ۳۵) طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ ق). **جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)** ۳۰. جلد. بیروت: دار المعرفة.
- ۳۶) طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). **التبیان فی تفسیر القرآن**. ۱۰ جلد. لبنان: بیروت: دار احياء التراث العربی.
- ۳۷) طبیب حسینی، محمود. (۱۳۹۰ ش). **درآمدی بر مفردات قرآن کریم**. قم: حوزه و دانشگاه.

- ۳۸) عکموش عبد، عقیل. (۲۰۰۵ م). «ظن فی القرآن الکریم در اسسه فی مفهوم التضاد». نشریه القادسیه فی الآداب و العلوم التربویه. المجلد الرابع، العدد ۳ و ۴. صص ۶۵-۸۰.
- ۳۹) عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ ق). **التفسیر (تفسیر العیاشی)**. ۲ جلد. ایران: تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- ۴۰) فراء، یحیی بن زیاد. (۱۹۸۰ م). **معانی القرآن (فراء)**. چاپ سوم. ۳ جلد. مصر: قاهره: هیئته المصریه العامه للکتاب.
- ۴۱) فراهیدی، خلیل بن احمد. (بی تا). **کتاب العین**. چاپ دوم. ۹ جلد. قم: نشر هجرت.
- ۴۲) فضل الله، محمد حسین. (۱۴۱۹ ق). **تفسیر من وحی القرآن**. بیروت: دارالطباعه و النشر.
- ۴۳) فیروز آبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ ق). **القاموس المحیط**. ۴ جلد. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ۴۴) فیروز آبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۶ ق). **بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز**. چاپ سوم. ۶ جلد. مصر: قاهره: وزارة الاوقاف.
- ۴۵) مراغی، احمد مصطفی. (بی تا). **تفسیر المراغی**. ۳۰ جلد. بیروت: دار الفکر.
- ۴۶) المشکینی الاردیبلی، علی. (۱۳۹۶ ق). **تحریر المعالم فی اصول الفقه**. قم: چاپخانه مهر.
- ۴۷) مشکور، محمد جواد. (۱۳۵۷ ش). **فرهنگ تطبیقی عربی با زبان های سامی و ایرانی**. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ.
- ۴۸) مصطفوی، حسن. (۱۳۸۵ ش). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. چاپ سوم. تهران: مرکز نشر آثار العلامه المصطفوی.
- ۴۹) المنجد، محمد نورالدین. (۱۴۲۶ ق). **التضاد فی القرآن الکریم**. دمشق: دارالفکر.
- ۵۰) نحاس، احمد بن محمد. (۱۴۲۱ ق). **اعراب القرآن (نحاس)**. ۵ جلد. لبنان: بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ۵۱) نوری طبرسی، حسین. (بی تا). **مستدرک الوسائل**. جلد ۱۷. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث.

References

1. Holy Quran.
2. Ibn Athir, Mubarak bin Muhammad. (1367). *Al-Nihayah fi Gharib al-Hadith wal Athar*. Fourth edition, 5 volumes. Qom: Ismailian Press Institute.
3. Ibn Duraid, Muhammad Ibn Hasan. (1988). *Jamharat al-Lughah*. 3 volumes. Beirut: Dar al-Ilm Li al-Malayin.
4. Ibn Sidah, Ali Ibn Ismail. (1421 AH). *Al-Muhkam wal-Muhit al-Azam*. 11 volumes, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah.
5. Ibn Faris, Ahmad bin Faris. (1404 AH). *Mujam Maqais al-Lughah*. 6 volumes. Qom: School of Islamic Studies.
6. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Mukarram. (1414 AH). *Lisan al-Arab*. Third edition. 15 volumes. Beirut: Dar Sadir.
7. Ibn Abi Zamanin, Muhammad Ibn Abdullah. (1424 AH). *Tafsir Ibn Abi Zamanain*. 2 volumes. Lebanon: Dar al-Kutub al-Ilmiyah.

8. Ibn Ashour, Mohammad Tahir. (1420 AD). Tafsir al-Tahreer wal-Tanwir known as Tafsir of Ibn Ashur. 30 volumes. Lebanon: Al Tarikh Al Arabi Foundation.
9. Ibn Atiyyah, Abdul Haq bin Ghalib. (1422 AH). Al-Muharrar al-wajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz. Beirut: Dar al-Kitab.
10. Abu Obaid, Qasim bin Salam. (1990 AD). Al-Ghareeb Al-Musannaf. 2 vols. Tunisia: Al-Watanieh Institute for Translation and Research and Studies of Bayt Al-Hikma.
11. Abul Saud, Muhammad bin Muhammad. (1983 AD). Tafsir of Abi al-Saud (Irshad al-Aql al-Salim ila Mazaya al-Qur'an al-Karim). 9 volumes. Lebanon: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
12. Abu Hayyan, Muhammad bin Yusuf. (1420 AD). Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafsir. 11 volumes. Lebanon: Dar al-Fikr.
13. Azdi, Abdullah bin Muhammad. (2017). Kitab al-Ma'. 3 volumes. Tehran: Iran University of Medical Sciences - Institute of Medical History, Islamic and Complementary Medicine Studies.
14. Azhari, Muhammad bin Ahmad. (1421 AH). Tahzib al-Lughah. 15 volumes. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
15. Izutsu, Toshihiko. (1361). God and man in the Qur'an. Translated by Ahmad Aram. Tehran: Publishing Company.
16. Alousi, Mahmoud bin Abdullah. (1415 AH). Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azim. 16 volumes. Lebanon: Dar al-Kutub al-Ilmiyah.
17. Bahrani, Hashim bin Suleiman. (1415 AH). Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an. 5 volumes. Iran: Qom: Al-Bithat Institute.
18. Tiflisi, Habish bin Ibrahim. (1371), Wojouh al-Qur'an. 2 volumes. Tehran: University of Tehran. Publication Institute.
19. Jurjani, Abdul Qahir. (1403 AH). Dalail al-Ijaz. Damascus: Saad al-Din School.
20. Damghani, Hossein bin Mohammad. (1416 AH). Al-Wojouh wa al-Nazair li Alfaz Kitab Allah Al-Aziz. 2 volumes. Egypt: Cairo: Ministry of Endowments, Majlis al-Ala for Islamic Affairs, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
21. Raghīb Al-Isfahani, Hossein bin Mohammad. (1412 AH). Mufradat Alfaz al-Qur'an. 1 volum. Beirut: Dar Al Qalam.
22. Rommani, Ali bin Isa, Abu Suleiman Hamad bin Mohammad Khatabi and Abdul Qahir Jurjani. (No Date). Thalath Rasail fi Ijaz al-Qur'an. Fourth edition. Cairo: Dar al-Ma'arif.
23. Rouhi Barandagh, Kavos et al. (2016). "Analysis and evaluation of the translation of the words of the Qur'an (case study: the subject of Doubt)", Two quarterly study of the translation of the Qur'an and Hadith. Volume 4. Number 8. pp. 73-103.
24. Zubaidi, Muhammad Murteza. (1414 AH). Taj al-Arus, min Jawahir al-Qamoos. 20 volumes. Beirut: Dar al-Fikr.
25. Zamakhshari, Mahmoud bin Omar. (1407 AH). Al-Kashshaf an Haqaiq Ghawamiz al-Tanzil wa Uyoun al-Aqawils fi Wojouh al-Ta'awil. Third edition. 4 volumes. Lebanon: Dar al-Kitab al-Arabi.
26. Sajedi, Maryam. (2017). "Use of the word Dhan in the Holy Qur'an: Reflection on the Sayings of the Commentators in the Interpretation of Dhan and Yaqin". Partov Vahy Bi-monthly. Volume 6. No 1. Sequential number 10. pp. 101-126.
27. Al-Samrai, Ibrahim. (1966). Al-Tatawwur al-Lughawi al-Tarikhī. Cairo: Dar al-Raid for publishing.
28. Shaker, Mohammad Kazem. (2016). "Research on the meaning of Dhan and its epistemological and moral position in the Qur'an". Articles and reviews. Number 84.
29. Sahib, Ismail bin Abbad. (1414 AH). Al-Muhit fi al-Lughah. 11 volumes. Beirut: Alam al-Kutub.
30. Sadeghi Tehrani, Mohammad. (1406 AH). Al-Furqan fil Tafsir al-Qur'an bi al-Qur'an wa al-Sunnah. Second edition. 30 volumes. Iran: Qom: Islamic culture
31. Sadr, Mohammad Bagher. (1405 AH). Dorous fi Ilm al-Osoul. No Place: Dar al-Muntazar.
32. Safavi, Kurush. (2018). An introduction to semantics. Fourth edition. Tehran: Surah Mehr.
33. Tabatabai, Mohammad Hossein. (1390 AD). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. Second edition. 20 volumes. Lebanon. Beirut: Al-Alami Publishing House.

34. Tabarsi, Fazl bin Hasan. (1372). Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an. 3 volumes. Iran: Tehran: Nasser Khosrow.
35. Tabari, Muhammad bin Jarir. (1412 AH). Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an (Tafsir al-Tabari). 30 volumes. Beirut: Dar al-Marifah.
36. Tusi, Muhammad bin Hassan. (Beta). Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an. 10 volumes. Lebanon: Beirut: Dar Ihiya al-Turath al-Arabi.
37. Tayeb Hosseini, Mahmoud. (2018). An introduction to the vocabulary of the Holy Quran. Qom: Seminary and University.
38. Akmoosh Abd, Aqeel. (2005 AD). "Al-Dhan fi al-Qur'an al-Karim; a study in the concept of Tadhad". Al-Qadisiyah magazine in Literary and Educational Sciences. The fourth volume, Nos 3 and 4. pp. 65-80.
39. Ayyashi, Muhammad bin Masoud. (1380 AD). Al-Tafsir (Tafsir al-Ayyashi). 2 volumes. Iran: Tehran, Islamic Scientific School.
40. Farra', Yahya bin Ziyad. (1980 AD). Maani al-Qur'an. Third edition. 3 volumes. Egypt: Cairo: Al-Hay'a al-Masriyya al-Ammah li al-Kitab.
41. Farahidi, Khalil bin Ahmad. (No Date). Kitab al-Ain. Second edition. 9 volumes. Qom: Hijrah Publishing.
42. Fadlullah, Mohammad Hossein. (1419 AH). Tafsir Min Wahy a- Qur'an. Beirut: Dar al-Tibaah wal-Nashr.
43. Firouzabadi, Mohammad bin Yaqub. (1415 AH). Encyclopaedia of the environment. 4 volumes. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah.
44. Firozabadi, Muhammad bin Yaqub. (1416 AH). Basaer Zhu Al-Tamiyz Fi Lataif Al-Kitab Al-Aziz. Third edition. 6 volumes. Egypt: Cairo: Ministry of Endowments.
45. Maraghi, Ahmad Mustafa. (No Date). Tafsir al-Maraghi. 30 volumes. Beirut: Dar al-Fikr.
46. Mishkini Ardabili, Ali. (1396 AH). Tahrir Al-Maalim fi Usul al-Fiqh. Qom: Mehr printing house.
47. Mashkoor, Mohammad Javad. (1357). Arabic comparative culture with Semitic and Iranian languages. Tehran: Farhang Foundation Publications.
48. Mostafawi, Hassan. (2016). Al-Tahqiq fi Kalimat al-Qur'an al-Karim. Third edition. Tehran: Al-Allameh Al-Mustafawi Publishing Center.
49. Al -Munjd, Mohammad Nuruddin. (1426 AH). Al -Qur'an al -Karim. Damascus: Dar al -Fikr.
50. Nuhas, Ahmad ibn Muhammad. (1421 AH). I'rab al-Quran (Al-Nuhas). 5 volumes. Lebanon: Beirut: Dar al -Kutub al-Ilmiyah.
51. Nouri Tabrizi, Hussein. (No Date). Mustadrak al-Wasail. Volume 17. Qom: Muassasat Al al-Bait (AS) li Ihya al-Turath.